



University of Tehran Press

Comparative Law Review

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-3404

Volume: 16, Issue: 1
Spring & Summer
2025

Comparative Assessment of the Accused's Right to Translation under the Iran's Legal System and International Law

Heidar Piri^{1✉} 

1. Law Department, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. Email: H.piri@uok.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	The right to interpretation for accused persons who do not speak or understand the language of criminal proceedings or for persons with hearing and speech deficiencies is guaranteed both in the Iranian legal system and in the ICCPR and the statute of international criminal tribunals. The main question is whether criminal defendants have the right to have documents translated under Iran's legal system and international law documents in the light of Iran's legal system and international law? How is the above right guaranteed in both system, and through what mechanism? What are the challenges and consequences of ensuring this right in the realizing of the fundamental guarantees of a fair trial ? By examining the laws and jurisprudence of both legal systems, the author argues that domestic and international courts have not followed the same procedure regarding the right to translation and have taken completely different approaches due to distinct executive and judicial challenges in each system. International courts have pointed to various parts of the right to a fair trial as the origin of the right to translation. This issue has caused a promising structure to be provided in international legal system for the realization of the language rights of the accused, the implementation of justice and his effective participation in criminal proceedings, due to the necessary experience in dealing with multilingual trials, contrary to Iran's legal system.
Received: 2024/10/13	
Received in revised form: 2024/11/15	
Accepted: 2025/01/02	
Published online: 2025/06/22	
Keywords: <i>The Right to Translation, Fair Trial, The Code of Criminal Procedure, ICCPR, Iran's Legal System, International Legal Order.</i>	Piri, Heidar (2025). Comparative Assessment of the Accused's Right to Translation under the Iran's Legal System and International Law. <i>Comparative Law Review</i>, 16 (1), 1-24. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2025.383322.634685
How To Cite	
DOI	
Publisher	The University of Tehran Press 



ارزیابی تطبیقی حق برخورداری متهمان از مترجم در چارچوب نظام حقوقی ایران و حقوق بین الملل

حیدر پیری^۱

۱. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: h.piri@uok.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۳ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ کلیدواژه‌ها: حق بر ترجمه، دادرسی عادلانه، قانون آیین دادرسی کیفری، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، نظام حقوقی ایران، نظم حقوقی بین المللی.	حق بر ترجمه شفاهی برای متهمان کیفری که با زبان رسمی دادگاه صحبت نمی کنند یا دچار نقض شنوایی هستند در قالب مجموعه ای از مقررات، هم در نظام حقوقی ایران و هم در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و اساسنامه دادگاه های کیفری بین المللی تضمین شده است. حال پرسش اصلی این است که آیا متهمان کیفری در چارچوب نظام حقوقی ایران و حقوق بین الملل از حق بر ترجمه اسناد مکتوب در دادرسی برخوردارند؟ مبانی حقوقی و قضایی این حق در دو نظام حقوقی به چه صورت و از طریق چه سازوکارهایی تضمین می شود؟ چالش ها و پیامدهای ارزیابی این حق در تحقق تضمین های بنیادین دادرسی عادلانه کدام اند؟ نگارنده با تتبع در قوانین، اسناد و رویه قضایی بر این باور است که دادگاه های داخلی و بین المللی در خصوص حق بر ترجمه از رویه یکسانی پیروی نکرده و مسیر کاملاً متفاوتی را طی نموده اند؛ چراکه چالش های اجرایی و قضایی متفاوتی در هر دو نظام وجود دارد. محاکم بین المللی به بخش های مختلف حق دادرسی منصفانه به عنوان منشأ حق بر ترجمه اشاره کرده اند. همین موضوع سبب شده است در نظام حقوق بین الملل با توجه به تجربه لازم در رسیدگی به محاکمات چندزبانه، برخلاف نظام حقوقی ایران، ساختاری امیدوارکننده برای احقاق حقوق زبانی متهم، اجرای عدالت و مشارکت مؤثر وی در دادرسی های کیفری فراهم شود.
استناد	پیری، حیدر (۱۴۰۴). ارزیابی تطبیقی حق برخورداری متهمان از مترجم در چارچوب نظام حقوقی ایران و حقوق بین الملل. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i>، ۱۶ (۱)، ۱-۲۴. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2025.383322.634685
DOI	10.22059/jcl.2025.383322.634685
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. 

۱. مقدمه

حق دادرسی منصفانه به عنوان هنجار بنیادین حقوق بین الملل، عنصر کلیدی حمایت از حقوق بشر و ابزار رویه‌ای برای حفاظت از حاکمیت قانون و مشروعیت فرایندهای قضات قلمداد می‌شود. با این حال، حق دادرسی منصفانه چیزی فراتر از یک حق منفرد و مجموعه‌ای از اصول و حقوق فردی است که برای حصول اطمینان از تحقق نهایی یک دادرسی منصفانه برای متهمان کیفری مقرر شده است (Stone, 161: 2012). برخی از این حقوق فردی از جمله اصل برائت و حق آماده کردن و ارائه دفاع، در تمام نظام‌های حقوقی جهان به رسمیت شناخته شده است. دادرسی عادلانه و شماری از مشتقات آن به طور پراکنده در قانون اساسی و برخی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بازتاب یافته است. در واقع، فراگیر شدن این حقوق در سراسر حوزه‌های قضایی ملی باعث شده است که برخی از محققان حق بر دادرسی منصفانه و مشتقات آن را در ماده ۱۴ میثاق، قاعده عرفی بین‌المللی و حتی به عنوان یک قاعده آمره قلمداد کنند (Robinson, 2009: 6-7)؛ اما محتوای دقیق برخی از حقوق شکلی دادرسی منصفانه، مبهم و پیچیده است.

این مقاله بر یکی از این حقوق شکلی که کمتر به عنوان یکی از حقوق دادرسی منصفانه شناخته می‌شود، یعنی حق بر ترجمه، متمرکز است. مقاله درصدد بررسی این امر است که آیا حق بر دادرسی منصفانه متهم کیفری را شایسته بهره‌مندی از حق بر ترجمه در دادرسی‌های کیفری و اسناد موجود در آن می‌داند؟ در این چارچوب مواد ۲۰۰، ۲۰۱، ۳۶۷ و ۳۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۱۴(۳)(و) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و مواد ۵۵(۱)(ج) و ۶۷(۱)(و) اساسنامه رم به طور خاص برای متهم کیفری که زبان دادگاه برای او قابل فهم نیست یا قادر به تکلم به آن زبان نیست، حق بر کمک رایگان مترجم شفاهی (مفسر) را تضمین می‌نمایند، اما حق ترجمه اسناد کتبی به صراحت تضمین نشده است. این حق در نظام حقوقی ایران با توجه به اینکه اسناد کتبی نقش اساسی و روشنی در دادرسی‌ها ایفا می‌نمایند چالش برانگیزتر است. در این چارچوب ضروری است بین مفهوم تفسیر و ترجمه تفکیک قائل شویم. تفسیر^۱ از منظر زبان‌شناسی، مستلزم انتقال محتوای شفاهی از یک زبان به زبان دیگر است، درحالی که ترجمه^۲ فرایندی مشابه اما در خصوص اسناد مکتوب است (Benmaman, 1992: 445). بنابراین، مهم‌ترین سؤال مطرح این است که آیا متهمان کیفری در چارچوب نظام حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل از حق بر ترجمه اسناد و شواهد مکتوب در دادرسی برخوردارند؟ این حق در نظام‌های پیش گفته با تضمین‌های بنیادین دادرسی عادلانه و سایر حقوق شکلی چه ارتباطی دارد؟ در نهایت، حق بر ترجمه در نظام عدالت کیفری ایران و دادرسی‌های بین‌المللی با چه چالش‌هایی مواجه است؟

1. Interpretation
2. Translation

ضرورت تحقیق در باب حق بر ترجمه در نظام حقوقی ایران از وجود این واقعیت برمی‌خیزد که این حق شکلی تلاشی است برای عمل به موازین حداقلی دادرسی منصفانه در دادرسی‌های کیفری داخلی. به دلیل افزایش تحرک و آزادی رفت‌وآمد و مسافرت افراد به کشور، جنایات در انواع و اقسام مختلف ممکن است افزایش یابد که مستلزم واکنش قاطع و سریع نهاد قضایی کشور است. از این رو، افراد بیشتری با رسیدگی کیفری در محاکمی روبه‌رو می‌شوند که قادر به صحبت یا درک زبان مورد استفاده دادگاه‌ها، یعنی فارسی، نیستند و جایگاه و موقعیت آنها تضعیف می‌شود. بنابراین، ضرورت استفاده از مترجم اختصاص به افراد تبعه که به زبان‌های بومی و محلی غیر از فارسی صحبت می‌کنند ندارد، بلکه متهمان خارجی و تبعه بیگانه را که با زبان‌های خارجی تکلم می‌نمایند دربر می‌گیرد. در نتیجه، کاربرد حق برخورداری از مترجم برای اتباع بیگانه که قادر به تکلم به زبان رسمی کشور (فارسی) نیستند نیز ضروری است، زیرا در چنین شرایطی امکان دورشدن از فضای دادرسی منصفانه و نادیده گرفته شدن حقوق دفاعی متهم بیشتر است.

با توجه به آنچه اشاره شد، در این مقاله، ابتدا تنوع زبانی و ضرورت مشارکت متهم در فرایند دادرسی از طریق مترجم در نظام داخلی ایران و نظام حقوق بین‌الملل بیان شده، در ادامه، منابع قانونی حق متهم بر ترجمه در چارچوب قوانین ایران و حقوق بین‌الملل شناسایی می‌شود. سپس مستندات حق بر ترجمه در رویه قضایی دادگاه‌های ایران و محاکم بین‌المللی تشریح می‌گردد. در نهایت، آموزه‌های حاصل از ارزیابی حق بر ترجمه در دادرسی‌های کیفری ایران و دادرسی‌های بین‌المللی بیان می‌شود.

۲. شکستن حصار زبان؛ تنوع زبانی و ضرورت مشارکت متهم در فرایند دادرسی از طریق

مترجم در نظام حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل

زبان قدمتی به بلندای عدالت کیفری و حتی فراتر از آن دارد. زبان عنصری فراگیر و پویاست که تأثیرات قابل‌توجهی بر فرایند حقوقی داشته است (Levi et al., 1990: 2). زبان دارای دو جنبه اساسی است: زبان به‌عنوان عامل ارتباط و زبان به‌عنوان موضوع هویت در گفتمان حقوق اقلیت‌ها. زبان در عدالت کیفری عمدتاً به عامل ارتباط در اجرای عدالت و درک فرایندهای حقوقی مرتبط است. زبان وسیله احقاق تمام حقوق متهم و یکی از عوامل تعیین‌کننده در رعایت تشریقات قانونی دادرسی و ارزیابی مدت زمان و امکانات کافی برای تهیه دفاع است. این موضوع با وجود اهمیتی که برای هدف و غایت عدالت دارد، در نظام حقوقی ایران به‌طور معناداری مورد توجه قرار نگرفته است.

تنوع زبانی یکی از ویژگی‌های متناوب و تکراری دادگاه‌های کیفری ایران و به‌ویژه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی است. چنین تنوعی یا عمودی است، میان زبان‌های مختلف مانند فارسی، کُردی،

عربی، ترکی، انگلیسی، و یا افقی است، مانند انگلیسی با لهجه بریتانیایی و آمریکایی یا کُردی با لهجه سورانی و کلهری. بنابراین، دادگاه‌های داخلی و بین‌المللی با تکلیف هماهنگ کردن زبان‌های متفاوت در جریان دادرسی مواجه هستند.

تنوع زبانی یک ویژگی مشکل‌ساز در دادرسی‌های کیفری است. موانع زبانی مانع جدی برای دادرسی منصفانه و مشارکت کامل است. این امر تمام مراحل دادرسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Piri, 2023: 96). بنابراین، تنوع صلاحیت زبانی در نظام حقوقی ایران و نظام حقوق بین‌الملل، تدوین استراتژی‌های کاری را که چندزبانی را سازماندهی کند، ضروری ساخته است. متهم حق مشارکت کامل در دادرسی دارد. اگر برای متهم ناتوان زبانی مترجمی فراهم نشود، محاکمه عادلانه‌ای وجود ندارد و پیامد آن چیزی جز بی‌عدالتی نخواهد بود. این تنها در صورتی امکان‌پذیر است که عدالت به‌عنوان یک حق روشن درک نشود، بلکه به‌عنوان نوعی ملاحظه آرمانی یا غیرمعرفتی شناخته شود (Jackson & Summers, 2020: 25). دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه عامر اعلام داشت که حق ترجمه شفاهی در مرحله پیش از محاکمه تضمین‌کننده یک دادرسی عادلانه است، و ملاحظات کلیدی برای تفسیر این حق، دانش زبانی متهم و ماهیت جرم است. در نتیجه، حاضر نبودن مترجم هنگام بازجویی متهم از سوی پلیس و عدم اقدامات مناسب از جانب دادگاه‌ها برای رفع این مشکل، نقض حق بر دادرسی منصفانه شناخته شده است (ECtHR, 2009, paras. 77–78, 83–84). همچنین دیوان اضافه می‌کند که قضات به‌عنوان حافظ نهایی عادلانه بودن دادرسی، مسئول‌اند اطمینان حاصل کنند که عدم حضور مترجم به دخالت کامل (متهم یا شاکی) در موضوعی که برای آنها اهمیت حیاتی دارد، لطمه‌ای وارد نمی‌کند (ECtHR, 2002, paras. 38–9). به همین ترتیب، اگر حقوق دفاعی متقاضی به‌طور جبران‌ناپذیری تحت تأثیر قرار گرفته باشد، نقض حق معاضدت حقوق و حق برخورداری از مترجم مبرهن خواهد بود.

حق بر ترجمه حقوقی تأثیرات عمیقی بر روند دادرسی کیفری داخلی و بین‌المللی داشته و همواره به‌عنوان عاملی تسهیل‌گر و در عین حال بازدارنده در تعامل نظام‌ها و فرهنگ‌های حقوقی مطرح بوده است و همچنان نقشی اساسی در هماهنگ‌سازی گفتار حقوقی و ایجاد یک فرهنگ حقوقی یکدست دارد (Al-Tarawneh, 2024: 793). بنابراین، حق داشتن مترجم که به حق مساعدت زبانی^۱ نیز تعبیر شده (Delmas & Spencer, 2002: 559)، بخش جدایی‌ناپذیر حق دادرسی عادلانه در نظام حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل است.

۳. منابع قانونی حق متهم بر ترجمه در چارچوب قوانین ایران و حقوق بین‌الملل

۳.۱. منابع قانونی حق برخورداری از خدمات مترجم در نظام حقوقی ایران

اصل ۳۲ قانون اساسی و مواد ۵، ۴۶ و ۱۹۵ ق.آ.د.ک حق متهم بر اطلاع فوری از موضوع اتهام و ادله آن و ماهیت جرمی را که ادعا شده ارتکاب یافته است تضمین می‌کند. از تفهیم اتهام پیش گفته، ضرورت تبیین و تشریح اتهام به زبانی که متهم به آن آشنایی دارد، استنباط می‌گردد. این امر اقتضای آن دارد که زبان دادگاه را درک کند و یا زبان برای او ترجمه شود. مقررات یادشده باید همراه با ماده ۲۰۰ ق.آ.د.ک خوانده شود که مقرر می‌دارد: «بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلع که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی تعیین می‌کند...». بر این اساس، اگر متهم زبان فارسی را درک نکند، دادگاه‌های کیفری موظفاند عناصر جرمی را که شخص به آن متهم شده است به زبانی که وی می‌فهمد با تفصیل تشریح نمایند؛ به همین منظور، ماده ۳۶۷ ق.آ.د.ک مقررات مشابهی در زمان رسیدگی در دادگاه پیش‌بینی نموده، که یکی از حقوق دفاعی مظنون و متهم را داشتن مترجم دانسته است.

در قوانین کیفری برای افراد دارای ناتوانی شنوایی نیز مترجم هم در مرحله تحقیقات مقدماتی و هم در مرحله دادرسی به‌صورت صریح پیش‌بینی شده است. با توجه به اینکه متهم ناشنوا قادر به درک مذاکرات و اظهارات نیست، همچنین متهم فاقد قدرت تکلم، توان انتقال منظور و بیانات خود را به مقام قضایی ندارد، این افراد همانند کسانی هستند که زبان مقام قضایی را نمی‌دانند. بر همین اساس به‌موجب ماده ۲۰۱ ق.آ.د.ک مقررۀ مشابه ماده ۲۰۰ برای این افراد پیش‌بینی شده است که بر اساس آن، «بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلع که ناشنوا است یا قدرت تکلم ندارد، فرد مورد وثوقی که توانایی بیان مقصود را از طریق اشاره یا وسایل فنی دیگر دارد، به عنوان مترجم انتخاب می‌کند...». مقررۀ مشابهی هم در ماده ۳۶۸ برای رسیدگی در دادگاه پیش‌بینی شده است. در ماده ۲۷۶ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ نیز پیش‌بینی شده است اگر خوانده به علت لکنت زبان یا لال بودن در قبال ادعای خواهان سکوت کند، قاضی دادگاه رأساً یا به‌وسیله مترجم و یا متخصص امر مقصود وی را کشف می‌کند. همچنین ماده ۱ قانون راجع به ترجمۀ اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی مصوب ۱۳۱۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی مقرر می‌دارد: «هرگاه یکی از طرفین دعوی یا شهود و اهل خبره در محاکم و ادارات و طرفین معامله یا شهود در دفاتر اسناد رسمی زبان فارسی را ندانند اظهارات آن‌ها توسط مترجم رسمی ترجمه خواهد شد». حق برخورداری از خدمات مترجم در مواد ۷۸، ۳۹۹ و ۴۹۳ قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۲۹۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی، ماده ۶۱ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۲۶ اسفند ۱۳۱۰ کمیسیون قوانین عدلیه، و مواد ۲۰۲ تا ۲۰۴ قانون آیین دادرسی

دادگاه عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی با اصلاحات و الحاقات بعدی نیز پیش‌بینی شده است.

اینجا اجزای اساسی اجرای عدالت در نظام کیفری ایران برای متهمانی است که قادر به درک زبان کاری دادگاه‌ها نیستند. در این راستا، برای اینکه محاکمه عادلانه و حکم مطابق و سازگار با آیین دادرسی و تشریفات قانونی باشد که در قاعده عدالت طبیعی بیان شده است، سیاست دوگانه عدالت طبیعی باید حاکم باشد.

۲.۳. منابع قانونی حق بر ترجمه در نظام حقوق بین‌الملل

۱.۲.۳. اسناد بین‌المللی حقوق بشر

طبق ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هر کس حق دارد از دادرسی عادلانه و علنی^۱ از سوی دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف که به‌طور قانونی تشکیل شده است، برخوردار باشد. اگر حق بر داشتن مترجم در جایی که متهم با زبان دادگاه آشنا نیست لحاظ نشود، عادلانه بودن این حق را نمی‌توان تضمین کرد. مطابق قسمت اول بند ۳ مقررۀ یادشده، هر کس در مظان اتهام به ارتکاب جرم قرار گیرد، حق دارد در کوتاه‌ترین زمان ممکن به زبانی که با آن آشناست به تفصیل از ماهیت اتهامی که بر وی وارد آمده است، آگاه شود. بر اساس قسمت ششم بند پیش‌گفته، متهمی که زبان مورد استفاده دادگاه برای او قابل فهم نیست یا قادر به تکلم به آن زبان نیست، حق دارد از کمک رایگان یک مترجم برخوردار باشد (ICCPR, 1966: Article 14(3)). کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۴۰ تضمین می‌کند که هر کودکی که متهم یا محکوم به نقض قانون کیفری شود، حداقل دارای تأمین‌های زیر خواهد بود: «حق استفاده رایگان از مترجم در صورتی که کودک قادر به درک زبان مورد استفاده (در دادگاه) نباشد». بر اساس ماده ۱۰۵ کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ ژنو راجع به رفتار با اسرای جنگی، اسیر جنگی حق برخورداری از یک نفر مترجم ذی‌صلاح را خواهد داشت. ادعای و مدارکی که به‌طور کلی طبق قوانین جاری ارتش دولت بازداشت‌کننده به متهمان ابلاغ می‌شود با فرصت کافی قبل از دادرسی به زبانی که متهم بفهمد به اسیر جنگی متهم تسلیم خواهد شد.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز در ماده ۶(۳)(ه) از زبانی مشابه مقررۀ یادشده استفاده کرده است (ECHR, 1950: Art.6(3)(e)). میثاق اشاره‌ای به حق یادشده در مرحله تحقیقات مقدماتی و بازجویی

۱. نباید از نظر دور داشت که عباراتی مانند نظم عمومی، امنیت ملی، موازین اخلاقی، مصلحت عمومی، امور خانوادگی و زندگی خصوصی، استثنای‌های شناسایی‌شده در نظام بین‌المللی حقوق بشر در خصوص علنی بودن دادرسی است (Hajipour et al, 2018: 112).

نکرده است، اما از ماده ۱۴(۳)(الف) استنباط می‌شود که حق برخورداری از مساعدت مترجم محدود به مرحله رسیدگی در دادگاه نیست، بلکه در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز اعمال می‌شود. ماده ۱۴(۳)(و) میثاق و مواد ۲۰۰ و ۳۶۷ ق.آ.د.ک تا حدود زیادی به ارتباط شفاهی و کلامی شخص متهم برای اطلاع از جرم در زمان تعقیب به زبانی که او می‌فهمد مربوط می‌شود. بنابراین، روشن است که حق بر ترجمه شفاهی (تفسیر) در ق.آ.د.ک، میثاق و سایر اسناد بین‌المللی حقوق بشر مورد اشاره قرار گرفته، اما حق بر ترجمه اسناد کتبی تنها در قسمت اول بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مقرر شده است.

۲.۲.۳. اساسنامه و آیین دادرسی داده‌های کیفری بین‌المللی

حق بر ترجمه در اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا همواره امکان اینکه متهمان این محاکم به زبان‌های کاری دادگاه‌های بین‌المللی آشنا نباشند، وجود دارد؛ به این جهت این حق با صراحت بیشتری در این محاکم پذیرفته شده است (Saber, 1401: 251). ماده ۹(ج) منشور دادگاه توکیو در خصوص دادرسی عادلانه برای شخص متهم مقرر می‌دارد: «اسناد و سایر مدارک در صورت نیاز و درخواست ترجمه می‌شوند». در بند «الف» مقررۀ پیش‌گفته تأکید شده است که رونوشتی از کیفرخواست و هرگونه اصلاحیه بر این منشور، به زبان قابل فهم برای متهم ارائه می‌شود (IMT, 1946: Art.9(c)). ماده ۱۶(ج) منشور نورنبرگ نیز بیان می‌دارد: «بازجویی مقدماتی و یا محاکمه متهم، می‌بایست یا به زبانی که برای متهم به‌خوبی قابل درک است انجام پذیرد یا به آن زبان ترجمه شود». همچنین کلیۀ اتهامات و مدارک همراه با آن، پس از ترجمه به زبانی که متهم به‌خوبی درک می‌کند به وی تسلیم می‌گردد (IMT, 1945, Art.16(c)).

اساسنامه و آیین دادرسی دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا به‌صراحت حق متهم برای استفاده از زبان خود را به رسمیت می‌شناسند. مطابق ماده ۱۸(۳) اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق، شخص مظنون حق دارد مطالب برای او به زبانی که به‌خوبی متوجه شده، تکلم می‌نماید، در مرحله تحقیقات ترجمه شود. در ماده ۲۱(۴)(الف)(و) اساسنامه و قاعدۀ ۴۲ و نیز ۳(ب) آیین دادرسی و ادله دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، حق یادشده در مرحله محاکمه نیز تضمین شده است (ICTY Statute, 1993: 21(4)(f)). در مواد ۱۷(۳) و ۲۰(۴)(الف)(و) اساسنامه و قواعد ۳(ج)(و)، ۴۷(ز) و ۵۵(ب) آیین دادرسی و ادله دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا نیز این حق در خصوص هر دو مرحله تحقیق و رسیدگی در دادگاه، مورد تأکید قرار گرفته است (ICTR Statute, 1994: Art.20(4)(a,f)). مواد ۱۵، ۱۶ و بند اول و چهارم ماده ۳۰ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان (STL Statute, 2007, Art.30(a,d))، بند

چهارم ماده ۱۷ اساسنامه دادگاه ویژه سیرالتون (SCSL Statute, 2000: Art.17(4)) و مواد ۲۴ و ۳۵ (بند اول و ششم) قانون تأسیس شعب فوق العاده دادگاه کامبوج (LEEECC, 2004: Art.35(a,f)) مقررۀ یادشده را به صورتی مشابه بیان نموده اند.

اساسنامه دیوان بین المللی کیفری برخلاف اساسنامه دادگاه های کیفری بین المللی اختصاصی به طور خاص ضرورت ترجمه و حق برخورداری از مساعدت زبانی برای تضمین دادرسی منصفانه را مقرر می نماید. در خصوص حقوق اشخاص در حین تحقیق، ماده ۵۵(۱)(ج) اساسنامه رم مقرر می دارد: «باید از مساعدت رایگان یک مترجم توانا بهره برد. مساعدت مترجم در صورتی است که بازجویی ها از اشخاص به زبان دیگری غیر از زبانی که شخص کاملاً درک و صحبت می کند صورت گیرد». همچنین قاعده ۴۲ آیین دادرسی و ادله در خصوص خدمات ترجمه مقرر می دارد: «دیوان ترتیباتی در ارتباط با خدمات ترجمه ضروری برای تضمین اجرای تعهداتش در چارچوب اساسنامه و آیین دادرسی دیوان اتخاذ می کند» (Rules of Procedure. 2002: 42). مهم تر از همه، ماده ۶۷(۱)(و) اساسنامه رم در خصوص حقوق متهم بیان می دارد: «اگر رسیدگی دیوان و یا مدارکی که در محاکمه ارائه می شود، به زبان دیگری غیر از زبانی است که متهم کاملاً درک کرده و یا صحبت می کند، وی می تواند به صورت رایگان از مساعدت مترجم کارآمد و همچنین ترجمه هایی که در یک محاکمه عادلانه لازم است، بهره مند شود». همچنین این مقررۀ در بند «الف» مقرر می دارد: «متهم به زبانی که کاملاً درک کرده، با آن صحبت می کند بایستی فوراً و دقیقاً از ماهیت و سبب محتوای اتهام مطلع شود».

از اساسنامه رم روشن می شود که اولاً تضمین حق بر ترجمه به طور خاص، تفاوت آشکار آن با ق.آ.د.ک ایران، میثاق و اساسنامه دادگاه های اختصاصی را نشان می دهد. ثانیاً، حق بر ترجمه شفاهی در کنار حق بر ترجمه اسناد مکتوب در هر دو مقررۀ اساسنامه رم به هم مرتبط و در کنار هم قرار می گیرند تا تضمین نمایند متهم قادر به درک دادرسی های کیفری است. در نهایت، ضرورت ترجمه در اساسنامه رم ناشی از مقتضیات انصاف است و نه برای درک متهم از فرایند دادرسی و بهره مندی از دادرسی منصفانه.

۴. حق بر ترجمه در عمل؛ مستندات حق بر ترجمه در رویه قضایی دادگاه های ایران و

محاکم کیفری بین المللی

۴.۱. رویه محاکم حقوق بشری

تعداد تصمیمات اتخاذشده از سوی کمیته حقوق بشر در مورد حق بر ترجمه اندک است و به این موضوع خاص مربوط می شود که آیا یک دولت حق متهمانی را (یا شهود) که زبان دادگاه را می دانستند اما ترجیح می دادند که به زبان مادری خود یا زبان عادی ارتباطی شان صحبت کنند، نقض کرده است یا خیر.

دعوی هاروارد علیه نروژ در کمیته حقوق بشر، موضوعی پیشرو در این زمینه است. در این قضیه، متهم اعلام داشت که برای او امکانات کافی به منظور ترجمه اسنادی که به زبان نروژی علیه وی در دادرسی کیفری استفاده شده، فراهم نشده است؛ بنابراین، حق بر زمان و تسهیلات کافی برای ارائه دفاع نسبت به وی انکار شده است. در پاسخ، نروژ اعلام داشت که آقای هاروارد ترجمه همه اسناد ضروری از جمله کیفرخواست، سوابق دادگاه و گزارش‌های پلیس را دریافت کرده است. کمیته حقوق بشر در این خصوص اظهار داشت که حق بر دادرسی منصفانه مستلزم این است که در دفاع این فرصت به متهم داده شود تا با مدارک مستند علیه خودش آشنا گردد، اما این امر ضرورتاً به معنی ترجمه همه اسناد مربوطه برای متهم نیست؛ تا زمانی که این مدارک در اختیار وکیل مدافع متهم قرار بگیرد که احتمالاً از نظر زبانی قادر به خواندن و درک مطالب و محتوای آن باشد. در نتیجه، کمیته دریافت که حقوق هاروارد نقض نشده است (HRC, 1994: paras. 3.3, 9.5).

کمیته حقوق بشر معتقد است در وضعیت‌هایی که متهم قادر به درک زبان مورد استفاده دادگاه نیست، عدم بهره‌مندی از خدمات رایگان مترجم مانع بزرگی بر حق دفاع قلمداد می‌شود و علاوه بر این، حتی است که مستقل از نتیجه دادرسی است و نسبت به بیگانگان و حتی اتباع قابل اعمال است (General Comment No. 13, 1984: 125). با این حال، حق برخورداری از مترجم تنها زمانی به‌درستی مورد استناد قرار می‌گیرد که متهم نتواند زبان دادگاه را بفهمد یا با آن زبان صحبت کند. اینکه دولت‌های عضو فقط از یک زبان رسمی در دادگاه‌ها استفاده کنند، نقض ماده ۱۴ میثاق قلمداد نمی‌شود و مقتضیات دادرسی منصفانه دولت‌های عضو میثاق را ملزم نمی‌کند که خدمات ترجمه را برای شهروندانی فراهم نمایند که زبان مادری آنها با زبان رسمی محاکم متفاوت است، ولی آنها قادرند اظهارات خود را با زبان رسمی دادگاه بیان نمایند. بنابراین به نظر کمیته، اگر متهم به اندازه کافی به زبان دادگاه مسلط باشد، لازم نیست مشخص شود که آیا وی ترجیح می‌دهد به زبان دادگاه اظهاراتش را مطرح کند یا زبانی غیر از زبان دادگاه؛ چراکه حق محاکمه عادلانه در ماده ۱۴(۱) میثاق که با توجه به ماده ۱۴(۳)(و) میثاق قرائت شده است به این معنا نیست که به متهم امکان اظهار نظر به زبانی داده شود که به‌طور معمول یا با سهولت بیشتری صحبت می‌کند (Communication No. 219, 1986: 67).

کمیته حقوق بشر همچنین در تفسیر عمومی شماره ۳۲ حق دسترسی به عدالت زمانی که متهم فاقد امکانات ضروری است مستلزم حق بر مساعدت و حمایت حقوقی می‌داند. انکار معاضدت حقوقی می‌تواند به‌منزله انکار عدالت نگریسته شود. کمیته حقوق بشر تأکید کرده است: «در اغلب اوقات وجود یا نبود مساعدت حقوقی است که تعیین می‌کند آیا یک شخص می‌تواند به مراحل مربوطه دادرسی، دسترسی داشته باشد یا به نحو معناداری در آنها مشارکت بکند یا نه» (General Comment No. 32, 2007, para. 10).

قضیه کاماسینسکی^۱ در دیوان اروپایی حقوق بشر مهم‌ترین قضیه در خصوص حق بر ترجمه است. خواهان در این قضیه با اشاره به مقدار، کیفیت و ناکافی بودن ترجمه در فرایند دادرسی این‌گونه بیان داشت که حق وی برای دفاع در چارچوب ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نقض شده است، اما دیوان اروپایی اظهار داشت که بخش عمده‌ای از شواهد حاکی از آن است که متهم از اتهامات وارده علیه خود آگاه بوده و توانسته است به اندازه کافی دفاعیات خود را در جریان دادرسی ارائه نماید. در نهایت، دیوان اروپایی حقوق بشر به صراحت حق متهم برای ترجمه (شفاهی) را به ترجمه همه اسنادی که درک آن برای برخورداری از یک دادرسی عادلانه ضروری است، تعمیم داده است. با این حال، ضروری بودن این حق برای یک دادرسی عادلانه، لزوم ترجمه تک‌تک اسناد را برای متهم منتفی می‌کند، زیرا هر سندی برای درک متهم از دادرسی ضروری نیست (ECtHR, 1989: 74). بنابراین، پرداختن به چنین ترجمه گسترده‌ای برای متهمان نه تنها باعث به تأخیر انداختن محاکمه و به خطر انداختن حق متهم برای محاکمه سریع می‌شود، بلکه هزینه‌های بالایی را نیز به همراه خواهد داشت.

۲.۴. رویه محاکم کیفری بین‌المللی

رویه قضایی گسترده در خصوص حق بر ترجمه را می‌توان در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی یوگسلاوی سابق و رواندا یافت. این محاکم حق متهم برای صحبت به زبان خود در مراحل مختلف دادرسی را تصدیق کرده‌اند. آنها معتقدند این حق فقط متعلق به متهم نیست، بلکه نسبت به هر شخصی که در دادگاه حاضر می‌شود به جز وکلا، در صورتی که زبان‌های کاری دادگاه را درک نکند قابل اعمال است. دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق در قضیه دلایلیچ^۲، کوپرسکیچ^۳ و کوناراج^۴ حق برخورداری از مترجم مترجم را صرفاً یک حق ضروری برای قادر ساختن متهم برای شرکت در دادرسی قلمداد نمی‌کند، بلکه این حق را به عنوان یک عنصر اساسی برای قادر ساختن محاکم و قضات در ارزیابی اعتبار و حصول اطمینان شهود و افراد متهم شناسایی کرده است (ICTY, 2001: 32; ICTY, 2002: 40; ICTY, 1996: para. 1). همین امر در دادگاه کیفری رواندا در قضیه روتاگاندا^۵ و باگیلیشما^۶ مورد تصدیق قرار گرفته است (ICTR, 2002: 12; ICTR, 2003: 21).

شعبه بدوی دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق در قضیه سسلیچ^۷ مقرر داشت که متهم حق ترجمه

1. Kamasinski
2. Delalic
3. Kupreskid
4. Kunarac
5. Rutaganda
6. Bagilishema
7. Seselj

کیفرخواست، اسناد حمایت‌کننده از اتهامات، اظهارات قبلی متهم، اسناد کشف‌شده در زمان بازداشت متهم و تصمیمات و قرارهای شعبه بدوی و تجدیدنظر را به زبانی که درک می‌کند، دارد (ICTY, 2006: 2). شعبه مقدماتی دادگاه نامبرده در قضیه نالتلیچ^۱ اظهار داشت ماده ۲۱ اساسنامه و قاعده ۳ آیین دادرسی دادگاه صراحتاً به متهم این حق را نمی‌دهد که ترجمه تمامی اسناد ارائه‌شده از سوی دادستان را به زبانی که می‌فهمد، دریافت کند. در نهایت خاطرنشان ساخت که حق بر ترجمه مطلق نیست، بلکه محدود به اسنادی است که پشتوانه ادله مورد استناد برای اثبات اتهامات متهم را تشکیل می‌دهند (ICTY, 2001: 2).

در رویه دادگاه‌های کیفری اختصاصی توانایی متهم برای درک ادله و شواهد از طریق ترجمه مقدم بر هرگونه نگرانی در خصوص مصلحت‌اندیشی، کارایی قضایی و هزینه‌ها بوده است. اسناد در هر قضیه فراتر از هزاران صفحه بود و ترجمه آنها منجر به تأخیر در دادرسی می‌شد و به لحاظ تئوری ممکن بود توانایی آن طرف برای واردکردن شواهد در پرونده را به خطر بیندازد. با این حال، در عمل، دادگاه‌ها با تأخیرهای زمانی ایجادشده از سوی طرفین و حجم کار زیاد ترجمه همراهی نموده، بنابراین هرگونه نگرانی در این زمینه را کاهش داده‌اند (Stone, 2012: 171). هرچند این تأخیرها نقض حق متهم برای رسیدگی سریع به پرونده را افزایش داده است.

دیوان بین‌المللی کیفری در قضیه لوبانگا^۲، دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا به ترتیب در قضایای کوپرسکیچ و باگیلیشما وجود هنجارهای بین‌المللی در خصوص حق بر ترجمه را با ارجاع به آرای اساسی دادگاه‌ها و محاکم مختلف نشان داده‌اند (ICTY, 2001: 12; ICTR, 2002: 6; ICC, 2006: 32). این رویه نشان می‌دهد هرچند حق بر ترجمه صراحتاً در میثاق یا معاهدات حقوق بشری منطقه‌ای تضمین شده است، اما این حق در حوزه‌های قضایی مختلف به اندازه‌ای مشابه است که نه تنها یک قاعده موضوعه قلمداد می‌شود، بلکه یک هنجار بین‌المللی نیز محسوب می‌گردد.

دیوان بین‌المللی کیفری در قضیه کاتانگا^۳، حق بهره‌مندی از مترجم مقرر در ماده ۶۷ اساسنامه دیوان را حداقل تضمین‌هایی می‌داند که متهم در دادگاه استحقاق آن را دارد. دیوان در قضیه پیش‌گفته و قضیه لوبانگا، ماده ۵۵(۱)(ج) اساسنامه را به گونه‌ای تفسیر کرده است که با رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر مطابقت داشته باشد و در عین حال، استاندارد بالاتری را که در چارچوب اساسنامه رم به تصویب رسیده است، می‌پذیرد (Lubanga, 2006: 466). به نظر دیوان، متهم زمانی یک زبان را کاملاً می‌فهمد و صحبت می‌کند که در مکالمات عادی و غیرفنی بر آن زبان مسلط باشد. لازم نیست متهم به گونه‌ای زبان دادرسی را درک کند که گویی یک وکیل یا مقام قضایی آموزش‌دیده است. اگر در خصوص درک

1. Naletilic

2. Lubanga

3. Katanga

کامل زبان تردید وجود داشت، زبان مورد درخواست شخص متهم باید مدنظر قرار گیرد. در نتیجه، شعبه موردنظر، مسئول تضمین دادرسی عادلانه متهم است. در نهایت، شعبه مقدماتی دیوان خاطرنشان کرد که ماده ۷۶(۳) آیین دادرسی و ادله دیوان تنها مقرره‌ای است که به‌صراحت بر دادستان تعهد قانونی مبنی بر ارائه ادله به زبانی که متهم کاملاً درک و صحبت می‌کند، تحمیل می‌نماید (ICC, 2008: 3). حتی در صورت تردید در وضعیت‌هایی که متهم به مترجم نیاز دارد، دیوان بین‌المللی کیفری مترجم فراهم نموده است. بر این اساس، دیوان گام‌های بلندی برداشته است تا اطمینان حاصل شود که متهم از نظر زبانی به دادگاه دسترسی دارد (McEvoy, 2023: 154).

شعبه مقدماتی دیوان در قضیه کانی^۱، کاتانگا و لوبانگا، درخواست متهم را برای ترجمه همه اسناد مربوط به مشارکت متهم به زبان فرانسه (زبان مادری متهم) با توجه به اینکه این درخواست تأخیر بی‌جهت در دادرسی ایجاد می‌کرد و متهم به‌خوبی قادر به درک زبان انگلیسی بود، رد نمود (ICC, 2007: 5-7; ICC, 2008: 5). همچنین زبان یا محتوای ماده ۶۷ اساسنامه رم آن‌گونه که برای رعایت مقتضیات عدالت ضروری است به متهم حق ترجمه تمام اسناد و شواهد را نمی‌دهد (ICC, 2006: 6-7). در قضیه کاتانگا، مقرر شد که درخواست تفسیر متهم باید پذیرفته شود تا زمانی که متهم از حقوق دادرسی عادلانه خود سوءاستفاده نکرده باشد (ICC, 2008: 3). سوءاستفاده از حقوق دادرسی عادلانه در این قضیه به وضعیتی اشاره دارد که در آن کمک مترجم مطالبه شد، درحالی که لازم نبود. بر اساس این مقرر لازم نیست که دادگاه تسلیم ترجیحات زبانی متهم شود، در صورتی که متهم صلاحیت و تسلط کافی را بر زبان مورد استفاده دادگاه داشته باشد.

۳.۴. رویه محاکم ایران

علی‌رغم اینکه قانون آیین دادرسی کیفری بر حق برخورداری از خدمات مترجم اذعان دارد، اما متأسفانه رویه قضایی چندانی در این خصوص دیده نمی‌شود. در احکام شماره ۵۹۵ و نیز شماره ۱/۴۹ شعبه دوم دیوان عالی کشور مقرر شده است اگر دادگاه کیفری از نظر اینکه متهم فارسی نمی‌داند برای او مترجم گرفته باشد، ولی جریان تحقیقات اولیه بازپرس و غیره بدون وجود مترجم انجام شده باشد، چنین حکمی قانونی نخواهد بود. دیوان عالی در حکم شماره ۴۰۳۸/ ۹۹۲ نیز اذعان داشت: هرگاه از مجموع مندرجات پرونده آشنا بودن متهم به زبان فارسی محرز نباشد و دادگاه مطابق ماده ۳۹۸ قانون اصول محاکمات جزایی اقدام نکرده، مترجمی برای متهم تعیین نکند، حکم صادره علیه متهم نقض می‌شود. اما هیئت عمومی دیوان عالی در حکم شماره ۱۱۸۶ بیان داشت: عدم تعیین مترجم و دعوت مترجم در مراحل

1. Kony

تحقیقاتی، در صورتی که رسیدگی در دادگاه با حضور مترجم به عمل آمده باشد، موجب نقض حکم نخواهد بود. همچنین هرگاه دادگاه تشخیص دهد که متهم تا حدی زبان فارسی می‌داند در این صورت عدم تعیین مترجم و ترتیب اثر دادن به اقرار متهم نزد مستنطق و صدور حکم به ضمیمه شواهد و قرائن دیگر مخالف با اصل نخواهد بود (حکم شماره ۸۵۸/۴۴۴-).

شعبه دوم دیوان عالی در حکم شماره ۱۱/۲۵۸ مقرر داشت: ماده ۳۹۷ ق.آ.د.ک سابق که تعهد مترجم را برای عدم تغییر در اظهارات متهم یا مطلع لازم دانسته، مربوط به رسیدگی و تحقیقاتی است که در دادگاه به عمل می‌آید و برای اینکه بازپرس نیز در هنگام تحقیقات مقدماتی چنین تکلیفی داشته باشد دلیل خاصی لازم است و چنین دلیلی موجود نیست. شعبه پنجم دیوان عالی در احکام شماره ۲۲۰۰ و ۸۳۶ بر این نکته تأکید داشت که مترجم قبل از شروع به ترجمه باید متعهد شود که اظهارات متهم را تغییر ندهد؛ بنابراین، اگر چنین تعهدی از مترجم گرفته نشده باشد، حکم صادره قانونی نخواهد بود.

بر اساس حکم شماره ۵۶۰/۳۵۴ دیوان عالی کشور، اگر دادگاه به اظهارات متهم در مرحله استنطاق استناد کند، ولی متهم اظهارات یادشده را به واسطه آشنا نبودن به زبان فارسی از خود نفی نماید و ضمناً از دادگاه درخواست مترجم کند و محکمه این تقاضا را پذیرفته و مترجم برای او معین کرده باشد؛ با این حال، استناد دادگاه به اظهارات متهم در تحقیقات بدون ذکر دلیلی بر رد مدافعه او دایر بر عدم صدور اظهارات پیش گفته از خود، مخالف اصل محسوب و موجب نقض حکم است.

نظریه مشورتی شماره ۱۳۹۴/۶/۲۸-۷/۹۴/۱۶۷۴ اداره حقوقی قوه قضاییه بیان می‌دارد: در فرضی که متهم قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نباشد و بازپرس نیز به لحاظ عدم دسترسی به مترجم نتواند از وی تحقیق نماید با استفاده از طریق مطمئن که امکان‌پذیر باشد (ولو استفاده از وسایل ارتباطی الکترونیک و مخابراتی)، بازپرس می‌باید به نحوی که امکان بیان مقصود وی (سؤالات و تفهیم اتهام) برای متهم و نیز اخذ پاسخ و دفاعیات وی فراهم باشد شخصاً یا با استفاده از اشخاص مورد وثوق نسبت به تحقیق از متهم و صدور قرار تأمین مناسب اقدام نماید و لذا صرف عدم دسترسی به مترجم مجوز ادامه بازداشت متهم و عدم تفهیم اتهام نخواهد بود. همچنین در صورتی که به هیچ طریق امکان ترجمه اظهارات متهم وجود نداشته و بازپرس به زبان متهم آشنایی داشته باشد، احراز هویت متهم و تفهیم اتهام به وی و صدور قرار تأمین از متهم از سوی بازپرس بلاشکال است، زیرا هدف از استفاده از مترجم مورد وثوق اطمینان بازپرس به صحت ترجمه است و این هدف زمانی که بازپرس زبان متهم را می‌داند به طریق اولی محقق خواهد شد.

۵. آموزه‌های حاصل از ارزیابی حق بر ترجمه در دادرسی‌های کیفری ایران و

دادرسی‌های بین‌المللی

با تحلیل منابع حقوق زبانی متهم و شناسایی حق بر ترجمه در اسناد و رویه محاکم کیفری نظام حقوقی ایران و نظام حقوق بین‌الملل، می‌توان اظهار داشت دادگاه‌های کیفری بین‌المللی به متهمانی که قادر به صحبت یا درک زبان رسمی دادگاه نباشند، برای دفاع همه‌جانبه از خود این حق را اعطا کرده‌اند که به زبان مادری خود یا زبان / زبان‌های عادی ارتباطی خود در روند دادرسی صحبت کنند. البته، در صورتی که متهمان قادر به درک زبان دادگاه باشند، دادگاه‌ها ملزم نیستند به ترجیحات زبانی آنها تن دهند. تحلیل اسناد و رویه قضایی بین‌المللی نشان می‌دهد که حق بر ترجمه اساساً به سه جنبه از حاکمیت قانون، یعنی عادلانه بودن دادرسی، دسترسی به عدالت، و اصل برابری مرتبط است. حق برخورداری از مترجم یکی از مهم‌ترین تضمین‌های شکلی دادرسی منصفانه در ماده ۱۴ میثاق، ماده ۶۷ اساسنامه رم و قانون آیین دادرسی کیفری ایران است، زیرا در سایه برخورداری از این حق است که شرایط برای تضمین سایر حقوق مندرج در قوانین یادشده فراهم می‌شود. تأثیر ترجمه بر فرایند دادرسی متهم ناتوان زبانی، یک جنبه ذاتی است که نه تنها با اصول شکلی دادرسی عادلانه ارتباط تنگاتنگی دارد، بلکه همچنین عدم پیش‌بینی و رعایت حق داشتن مترجم با هیچ ابزار عملی قابل جبران نیست. در واقع، ترجمه تنها وسیله حصول اطمینان از درک صحیح و مشارکت یک متهم در دادرسی‌ای است که قادر به درک زبان آن نیست. بدون مساعدت مترجم، متهم ناتوان زبانی ممکن است نتواند محاکمه را بفهمد و به‌طور کامل در جریان دادرسی قرار گیرد، و دفاعیه مؤثری را ارائه نماید؛ لذا حق ترجمه و دانستن زبان دادگاه، پیش‌شرط اصلی حق دادرسی عادلانه و از حقوق متهم است.

در رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، انکار حق متهم ناتوان زبانی بر ترجمه، نقض حق دادرسی عادلانه قلمداد شده است. کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی شماره ۱۳ خود، فقدان حق داشتن مترجم را مانعی بزرگی بر سر راه حق دفاع می‌شناسد (General Comment, No. 13, 1994: para. 13). به این ترتیب، می‌توان گفت که حق برخورداری از مترجم، خود به معنای تضمین اجرای مؤثر حق دفاع است. همچنین اگر متهم نتواند زبان دادگاه را درک کند یا نتواند در دادرسی مشارکت کند، دسترسی به عدالت بی‌معنی خواهد بود. بر این اساس، دسترسی به مترجم به شیوه‌ای دوگانه و دیالکتیکی با حاکمیت قانون مرتبط است؛ به‌عنوان یک حق بشری و به‌عنوان بخشی از حق دسترسی به دادگاه و به‌طور کلی حق دسترسی به عدالت (Vogiatzis, 2022: 5). بنابراین، اعمال محدودیت بر حق بر ترجمه، دسترسی به عدالت را تضعیف و نقض این حق، چه به دلایل قانونی یا عرفی، زمانی که نقض به‌منزله انکار حق دادرسی منصفانه تلقی شود، کل دادرسی شخص متهم را باطل می‌نماید.

هدف سوم از حق داشتن مترجم، آن گونه که دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق در قضیه دلایچ اظهار داشت، حمایت از مفهوم برابری در محضر دادگاه است. به زعم دادگاه، ترجمه‌های اسناد مرتبط قبل از محاکمه برای اطمینان از اینکه متهم و مقام تعقیب به نحوی مساوی قادر به ارتباط و تعامل با دادگاه باشند ضروری است (ICTY, 1996: para. 1). کمیته حقوق بشر برابری در محضر دادگاه را به گونه‌ای تفسیر نموده است که برابری زبانی متهم در مقابل هر متهم دیگری در دادگاه با اتهامات مشابه تضمین شود (General Comment, No. 13, 1994: para. 13). دیوان اروپایی حقوق بشر نیز به زبان مشابهی هدف از این حق را کاهش آسیب (از جانب متهم آگاه به زبان دادگاه) به متهمی می‌داند که زبان دادگاه را درک نمی‌کند (ECtHR, 1978: 42). مفهوم برابری در محضر دادگاه به برابری زبانی متهم در برابر دادستان و مقام تعقیب نیز تسری پیدا می‌کند، بنابراین اصل برابری سلاح‌ها را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.

علی‌رغم اینکه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و میثاق اشاره‌ای به حق برخورداری از مساعدت مترجم در مرحله تحقیقات مقدماتی و بازجویی نکرده‌اند، اما این حق در قانون آیین دادرسی کیفری ایران و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در تمام مراحل دادرسی و رسیدگی از جمله در مرحله تحقیقات پیش‌بینی شده، باید اعمال شود. اقتضای دادرسی عادلانه، تحقق عدالت در تمام مراحل رسیدگی است. بنابراین، حق بر ترجمه در تمامی مراحل دادرسی یعنی مرحله تحقیقات مقدماتی، دادرسی و صدور حکم و مرحله تجدیدنظر و با هر نتیجه‌ای که از این دادرسی‌ها حاصل شود، برای متهم قابل اجراست (بهرامی، ۱۳۹۱: ۱۲۴).^۱ لازمه تحقق اصل تساوی سلاح‌ها به عنوان یکی از ارکان دادرسی عادلانه در هر مرحله از رسیدگی مستلزم این است که متهم ناتوان زبانی در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز از مساعدت یک مترجم برخوردار باشد. لذا، برای اینکه شخص بتواند دفاعی مناسب را تدارک ببیند لازم است از مساعدت مترجم بهره‌برد. همچنین افراد ناشنوا برای برقراری ارتباط و اطلاع از روند محاکمه این حق را دارند که از کمک افراد متخصص با استفاده از شیوه‌های کلامی خود استفاده کنند (Mole & Harby, 2006: 68). حتی اگر رسیدگی غیابی صورت گیرد و در طی این محاکمه غیابی متهم محکوم شود، باز این حق را باید برای او در نظر گرفت. دادگاه فرانسه به صورت غیابی متهم تبعه ایتالیا (آقای ماریانی) را به ۲۰ سال حبس محکوم کرد. دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه ماریانی، نادیده گرفتن شدن حق داشتن مترجم از سوی دولت فرانسه را احراز نمود و نقض این حق را موجب خروج دادرسی از وصف عادلانه دانست (ECtHR, 2005). دادگاه کیفری رواندا در قضیه موبیمانا^۲ و دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه کاماسینسکی اظهار

۱. در جرایمی که دارای مجازات شدید و سنگینی هستند، وجود یک مترجم برای متهم از ارزش بالایی برخوردار است، زیرا متهم به دلیل ناتوانی از درک اتهام‌های وارده و عدم توانایی در دفاع از خود، نمی‌تواند از تمام تضمین‌های یک دادرسی منصفانه بهره‌مند شود (بهرامی، ۱۳۹۱: ۴-۱۲۳).

2. Mubimana

داشتند که حق متهم برای کمک مترجم رایگان نه تنها ترجمه اظهارات شفاهی در دادرسی دربر می‌گیرد، بلکه اسناد کتبی مرتبط را نیز شامل می‌شود (ICTR, 2001: para. 16). با این حال، حق بر ترجمه تا آنجا توسعه نمی‌یابد که به ترجمه تمام اسناد و شواهد کتبی در دادرسی بینجامد. این حق تنها به ترجمه اسنادی محدود می‌شود که متهم برای داشتن محاکمه عادلانه باید درک نماید (ECtHR, 1989: paras. 72-74). بنابراین، دیوان اروپایی حقوق بشر در تفسیر حق بر ترجمه که با زبانی مشابه میثاق بیان شده است با شناسایی صریح حق بر ترجمه «اسناد ضروری»^۱ مسیر کاملاً متفاوتی را با کمیته حقوق بشر و محاکم کیفری بین‌المللی اختصاصی طی نموده است. درحالی که کمیته حقوق بشر بر «توانایی برای آماده کردن یک دفاع» و قابلیت وکیل متهم برای درک ادله تمرکز داشت، دیوان اروپایی حقوق بشر بر توانایی خود متهم برای درک شواهد به عنوان ابزاری برای درک فرایند دادرسی متمرکز بود. ماده ۶۷(۱)ه اساسنامه رم نیز با رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در این زمینه مطابقت دارد و نشان‌دهنده آن است که در حوزه قضا گاه ترجمه برای دستیابی به عدالت و انصاف ضروری می‌نماید. با این حال، رویه دادگاه‌های کیفری یوگسلاوی و رواندا این حق را به نام «برابری» گسترش داده، به متهمان اجازه می‌دهند به اسناد ترجمه‌شده بسیار فراتر از آنچه که دیوان اروپایی حقوق بشر ضروری به‌شمار می‌آورد، دسترسی داشته باشند (Stone, 2012: 172). بنابراین، بر مفهوم «برابری در محضر دادگاه، ضرورت متهم برای درک شواهد ارائه‌شده علیه وی (ICTY, 1996: para. 1) و توسعه حق استماع» (ICTY, 2003: 3) تأکید می‌نمایند. استدلال دادگاه یوگسلاوی سابق در خصوص ضرورت درک متهم از شواهد تاحدی مشابه چیزی است که دیوان اروپایی حقوق بشر در مورد توانایی متهم برای درک شواهد ارائه‌شده در دادرسی بیان داشت. لذا، نتیجه ضروری تأکید دیوان اروپایی حقوق بشر و دادگاه یوگسلاوی سابق بر درک متهم از دادرسی این است که حق بر ترجمه به‌طور منطقی محدود به اسنادی است که هرگونه ناتوانی متهم را در انجام این کار کاهش می‌دهد. علاوه بر این، ترجمه شفاهی اسناد مکتوب در دادگاه به‌وسیله مترجم دادگاه برای تحقق حق متهم برای درک دادرسی کافی است (ECtHR, 2006: para. 69).

چارچوب حمایت از حق بر ترجمه در رویه بین‌المللی برخلاف رویه داخلی ایران، ساختاری امیدوارکننده برای احقاق حقوق زبانی و تضمین‌های حداقلی دادرسی عادلانه در دادرسی‌های کیفری است. همان‌گونه که دیوان اروپایی حقوق بشر مقرر می‌دارد اگر متهم قادر به درک زبان رسمی دادگاه نباشد یا نتواند در دادرسی مشارکت نماید، در چنین وضعیتی وکیل نمی‌تواند هم‌زمان نقش مترجم را برعهده بگیرد (ECtHR, 2002: paras. 38-9). حتی حضور نمایندگی حقوقی و وکیل نیز نمی‌تواند فقدان ترجمه در دادرسی‌های چندزبانه را جبران کند. این درحالی است که در بسیاری از موارد دادرسی‌ها و

محاکم کیفری ایران از مترجمان غیررسمی و کارکنان دادگاه‌ها (مدیر دفتر، منشی و ...) که مهارت‌های زبانی محدودی دارند استفاده می‌کنند. در قانون ایران قید نشده است که مترجم نمی‌تواند از قضات دادگاه رسیدگی‌کننده و مدیر دفتر آن شعبه باشد. روشن است که چنین ترجمه‌هایی به نتایجی منجر می‌شود که استحقاق (متهم) برای دادرسی عادلانه یا توانایی برای دفاع از خود را به‌خطر می‌اندازد. علاوه بر این، اهمیت حق بر ترجمه برای دادرسی کیفری عادلانه در نظام حقوقی ایران به‌ندرت مورد توجه قرار می‌گیرد. علی‌رغم این واقعیت که زبان و ترجمه عامل تعیین‌کننده در ارزیابی مدت زمان و امکانات کافی برای تهیه دفاع هستند، اما این موضوع در نظام حقوقی ایران اغلب نادیده گرفته می‌شود. جای تعجب است که زبان بخشی از گفتمان قانونی در دادگاه‌های کیفری ایران نبوده است.

بند ۳ ماده ۱۴ میثاق و مواد ۵۵(۲)(ج) و ۶۷(۱)(و) اساسنامه رم از مساعدت مترجم «بدون پرداخت هزینه»^۱ صحبت کرده است. منظور از اصطلاح رایگان، بهره‌مندی از خدمات مترجم در تمام فرایند دادرسی است و نه حق معافیت موقت از پرداخت هزینه. معافیت مشروط، جزئی و موقت خلاف معنای ظاهر مقررۀ مورد بحث است. این حق بدون توجه به موقعیت مالی متهم، مستقل از نتیجه نهایی محاکمه و حتی پس از محکومیت، وی را از پرداخت هزینه‌های ترجمه (اعم از شفاهی یا کتبی) معاف می‌کند (ECtHR, 1978: 20; ECtHR, 1989: 168). اما ماده ۲۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری برخلاف مقررات فوق، در مورد مسئول و نحوه پرداخت هزینه‌های مترجم یا رایگان بودن آن سکوت اختیار کرده است. اما بر اساس ماده ۵۶۰ ق.آ.د.ک، در جریان فرایند کیفری اصل بر پرداخت هزینه‌های مترجمان از محل اعتبارات مربوط به قوه قضاییه است. تحمیل آن بر شاکی امری استثنایی، و بر متهم ممنوع است (Khaleghi, 2019: 249,601). البته ممنوعیت اخذ هزینه‌ها از متهم تا زمان صدور حکم است و در صورت صدور حکم به محکومیت وی، پرداخت هزینه‌های دادرسی بر عهده اوست (م ۵۶۴ ق.آ.د.ک). بنابراین، تعهد بین‌المللی برای ارائه خدمات ترجمه رایگان به کسانی که قادر به درک فرایند کیفری نیستند، هرگز به‌طور خاص در قانون ایران پیش‌بینی نشده است. رویۀ قضایی ایران بیشتر حاکی از آن است که این قبیل هزینه‌ها به اصحاب دعوا تحمیل می‌شود.

علاوه بر این، دو جنبۀ اصلی در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری وجود دارد که در میثاق و قانون آیین دادرسی کیفری ایران مشاهده نمی‌شود: این شرط که «مترجم صلاحیت داشته باشد» و متهم «زبان دادگاه را کاملاً درک و صحبت کند» تا از داشتن مترجم محروم شود. به‌نظر می‌رسد قصد اعطای حقوقی بالاتر از قوانین ایران، سایر اسناد حقوق بشری و دادگاه‌ها به متهم در اساسنامه رم وجود داشته باشد. باید تفاوتی بین حق داشتن زبانی که فرد درک و صحبت می‌کند و زبانی که «کاملاً» می‌فهمد و

1. Free of any cost

صحبت می‌کند، وجود داشته باشد (ICC, 2008, para. 49). واژه «کاملاً» در ماده ۶۷(۱) اساسنامه دیوان نشان می‌دهد که هر چیزی کمتر از درک کامل زبان بدون مترجم، با حداقل استانداردهای دادرسی عادلانه تداخل خواهد داشت.

حق کمک رایگان مترجم زمانی عملی و مؤثر خواهد بود و عادلانه بودن دادرسی را تضمین می‌کند که ترجمه از کیفیت لازم و کافی برخوردار باشد (Birzu, 2016: 142). در مواردی که این سطح حداقلی برآورده نمی‌شود، بعید است که متهم به اندازه کافی زبان دادگاه را درک کرده باشد تا بتواند دادرسی عادلانه‌ای داشته باشد. اما در نظام حقوقی ایران هیچ تضمینی برای کیفیت ترجمه ارائه شده از سوی مترجمان عمدتاً آموزش ندیده و کم‌دست‌مزد که در شرایط غیرحرفه‌ای کار می‌کنند، وجود ندارد. در نظام حقوقی ایران استاندارد کلی و مشخصی برای تعیین صلاحیت مترجمان دادگاه‌ها وجود ندارد. در واقع، رویه عملی دادگاه‌های کشور در مورد این موضوع، عموماً به صلاحیت‌ها یا توانایی‌های مترجم علاقه‌مند نیست، بلکه صرفاً به کیفیت ترجمه حاصله نظر دارد. هویت و آموزش مترجم برای ملاحظات مربوط به دادرسی عادلانه کمتر از نتیجه نهایی واقعی ترجمه اهمیت دارد. بنابراین، در چارچوب قوانین ایران هیچ شرط خاص یا مقرر قانونی در مورد سنجش کفایت مترجم وجود ندارد. در حقوق ایران صرفاً به مترجم مورد وثوق اشاره شده است (ماده ۳۶۷ ق.آ.د.ک)، حال هر شخصی که می‌خواهد باشد. قانون‌گذار معلوم نکرده است که وثاقت مترجم باید برای چه کسی اثبات شده باشد؟ دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه کاماسینسکی اعلام داشت که تعهد مقامات به تعیین مترجم محدود نمی‌شود، بلکه به قضاوت در مورد صلاحیت یک مترجم خاص نیز تسری می‌یابد (ECtHR, 2011: Para. 88). تشخیص صلاحیت باید به قضات واگذار شود (Henry & Stone, 2018: 22-23). در نهایت، مشکل اصلی در خصوص حق بر ترجمه در دادگاه‌های ایران، فقدان هرگونه خط مشی یا چارچوب قانونی در باب خدمات ترجمه است. ایران یک کشور چندقومیتی و چندزبانه است. درحالی که خدمات دادگاه‌ها یا نظام حقوقی نهادهایی ندارند که بتوانند به مترجمان به زبان‌ها و گویش‌های مختلف دسترسی داشته باشند، هیچ مقرراتی وجود ندارد که مترجمان بتوانند برای مهارت ترجمه زبان‌های ایرانی آموزش ببینند و هیچ خط مشی دولتی هم در مورد مهارت‌های ترجمه یا دستورالعملی برای مترجمان موجود نیست. در نتیجه، برای دستیابی به عدالت در موضوعات حقوقی مورد رسیدگی دادگاه‌ها، به تعیین استانداردهای حرفه‌ای برای مترجمان و مفسران دادرسی دادگاه‌ها نیاز است.

۶. نتیجه‌گیری

مقاله حاضر اهمیت حق برخورداری از خدمات مترجم برای شخص متهم در دادرسی‌های کیفری داخلی و بین‌المللی چندزبانه را آشکار نموده است. ترجمه تنها ابزار قانونی است که جامعه چندزبانه را قادر می‌سازد

تا به قوانین اساسی که در چارچوب آن اداره می‌شود، دسترسی پیدا کنند و درک نمایند. به نظر می‌رسد حق بر ترجمه در رویه بین‌المللی با برخی از اصول دادرسی منصفانه و حقوق دفاعی متهم ارتباط تنگاتنگی دارد، زیرا در سایه برخورداری از این حق است که شرایط برای تضمین سایر حقوق شکلی فراهم می‌شود. در رویه کمیته حقوق بشر حق بر ترجمه ریشه در «توانایی متهم برای آماده‌سازی دفاع»، در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر ریشه در «توانایی متهم برای درک شواهد به‌عنوان ابزاری برای درک فرایند دادرسی»، در رویه دیوان بین‌المللی کیفری ریشه در «انصاف»، و در رویه دادگاه‌های کیفری اختصاصی ریشه در «اصل برابری در محضر دادگاه، ضرورت درک شواهد ارائه‌شده علیه متهم و حق استماع» دارد. اما در رویه دیوان عالی کشور حق بر ترجمه ریشه در «قانونی بودن فرایند دادرسی» دارد و نبود آن محاکمه را باطل کرده، موجب نقض حکم می‌شود.

نظام عدالت کیفری ایران بین حق بر ترجمه شفاهی (تفسیر) و ترجمه اسناد کتبی در دادرسی تفکیکی قائل نشده است. اما در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری حق بر ترجمه شفاهی (حق تفسیر) در کنار حق بر ترجمه اسناد مکتوب به هم مرتبط و در کنار هم قرار می‌گیرند تا تضمین نمایند متهم قادر به درک دادرسی‌های کیفری است. روشن است که اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نیز به‌مانند میثاق و آیین دادرسی کیفری ایران، کاربست مقررۀ مربوط به ترجمه را به رسیدگی‌های شفاهی محدود کرده است. هرچند کمیته حقوق بشر صراحتاً در خصوص حق بر ترجمه اسناد مکتوب به‌عنوان حق دادرسی منصفانه اظهار نظر نکرده است، اما به‌صراحت انکار وجود چنین حقی را چالش‌برانگیز می‌داند. کمیته حقوق بشر تلویحاً این احتمال را تصدیق نمود که سایر جنبه‌های حق دادرسی منصفانه به‌ویژه حق بر اطلاع از اتهامات و حق بر زمان و تسهیلات کافی برای آماده‌سازی دفاع ممکن است متهم را از حق ترجمه اسناد مکتوب برخوردار سازد؛ این دقیقاً همان چیزی است که دادگاه‌های کیفری اختصاصی دریافتند. در چارچوب حق بر ترجمه شفاهی و تضمین درک دادرسی‌های شفاهی، دادگاه کیفری رواندا به‌صراحت دریافت که چنین حقی (حق بر ترجمه) وجود دارد. دادگاه یوگسلاوی سابق نیز به‌صورت ضمنی این منطق را تصدیق نمود.

اساسنامه رم شواهدی ارائه می‌نماید که نشان می‌دهد توسعه حق بر ترجمه به نقطه‌ای دست یافته است که می‌توان آن را به‌عنوان بخشی پذیرفته‌شده از حق دادرسی منصفانه تدوین کرد. زبان منحصر به فرد اساسنامه رم در خصوص حق بر ترجمه اساساً با زبان میثاق و اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی متفاوت است. اساسنامه رم استانداردهای دادرسی منصفانه و به‌طور خاص حق بر ترجمه را دقیق‌تر بیان نموده است. این امر، مفید این معناست که زبان در اساسنامه رم تشریح مفصل آن چیزی است که میثاق قصد تجسم آن را دارد. علاوه بر این، شناسایی حق بر ترجمه در چندین حوزه قضایی بین‌المللی

بسیار تأثیرگذار و عدم اعتراض از سوی جامعه بین‌المللی، همگی دال بر حمایت‌های موسع از این حق و شکل‌گیری یک قاعده عرفی بین‌المللی قابل اعمال در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی است. اینکه هرکدام از دادگاه‌های بین‌المللی به بخش‌های مختلف حق دادرسی منصفانه به‌عنوان منشأ حق ترجمه اشاره کرده‌اند، نه تنها وجود این حق را تضعیف نمی‌کند، بلکه آن را تقویت می‌نماید. البته این امر تعیین محتوای نهایی این حق را دشوارتر می‌سازد. با وجود این، روشن نیست که این تضمین‌های شکلی به‌طور یکسان در دادرسی‌های کیفری داخلی قابل اعمال هستند؛ ساختار به اندازه‌ای متفاوت است که قابلیت اعمال آنها را بحث‌برانگیز نماید. وقتی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی حکم می‌دهند که تمام شواهدی که باعث تبرئه متهم می‌شوند باید ترجمه شوند، در دادگاه‌های بین‌المللی ممکن است ضرورت تلقی شود. اما اینکه ترجمه چنین شواهدی در یک دادرسی داخلی که تحت قوانین متفاوت و با بودجه‌های متفاوت انجام می‌شود ضروری است یا خیر، مورد تردید است. به این ترتیب، اگرچه ترجمه گسترده اسناد کتبی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی قابل ستایش است، اما این رویه‌ها در حوزه‌های قضایی داخلی ممکن است قابل اجرا نباشد؛ هرچند در مورد برخی مسائل همچنان آموزنده هستند. بنابراین، هرچند قوانین ایران در خصوص حق بر ترجمه با هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر مطابقت دارد اما رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی با توجه به آستانه‌های بالا، اصولاً در محاکم کیفری ایران قابل اجرا نیست. به این ترتیب، دادگاه‌های داخلی باید از نظر شکلی، حقوقی را که متهم از آن برخوردار است متعادل سازند. هرچند متهم، حق بر ترجمه تمامی شواهد یا اسناد دادگاه را ندارد، اما برای تضمین یک محاکمه عادلانه و به‌موقع، برخی از اسناد ضروری مانند کیفرخواست، گزارش‌های پلیس، دستورات و تصمیمات دادگاه باید برای اطلاع متهم ترجمه شوند تا بتواند پرونده علیه خود را درک و از خودش دفاع کند.

از بررسی اسناد و رویه قضایی بین‌المللی می‌توان دریافت که عدالت کیفری بین‌المللی برای تضمین حق برخورداری متهم از ترجمه در دادرسی‌ها تلاش زیادی کرده است. دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در مورد دامنه حق بر ترجمه، اختلاف نظر ماهوی نداشته و به‌طور کلی پذیرفته‌اند که ترجمه برای تضمین اصول دادرسی عادلانه ضروری است. در اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و حتی اسناد حقوق بشری، زمانی که شخصی متهم به یک جرم کیفری است و تحت تعقیب قرار می‌گیرد، حق کمک مترجم یا مفسر پیش‌شرط اساسی در تضمین برگزاری یک محاکمه عادلانه است. بر اساس ماده ۱۴(۳)(و) میثاق، این یک الزام اساسی است و با انکار یا عدم رعایت این حق، فرض بر این می‌شود که قاضی یا دادرس از الزامات دادرسی عادلانه تبعیت نکرده است و این عدم پیروی به‌عنوان مبنا و دلیل واقعی برای تجدیدنظر خواهد بود. همچنین عناصر مختلف حق دادرسی عادلانه در نظام کیفری ایران جنبه‌هایی دارد که می‌تواند تحت تأثیر عملکرد مترجم قرار گیرد و یا خود می‌تواند بر عملکرد مترجم تأثیر بگذارد. تضمین‌هایی مانند حق

داشتن زمان و تسهیلات کافی برای آماده‌سازی دفاع، اصل تساوی سلاح‌ها، درک و مشارکت مؤثر متهم در محاکمه، حق دادرسی توافقی و حق بازجویی شهود، ابزاری برای اثربخشی به حمایت‌های دادرسی عادلانه هستند. بنابراین، حق بر ترجمه در زمره اصول اساسی آیین دادرسی کیفری قلمداد می‌شود که خود الهام‌بخش و تضمین‌کننده سایر اصول و قواعد دادرسی کیفری است.

در نهایت، حق برخورداری از خدمات ترجمه برای متهمانی که به زبان دادگاه صحبت نمی‌کنند یا زبان کاری دادگاه را درک نمی‌کنند، در نظام داخلی ایران و اساسنامه محاکم کیفری بین‌المللی در مرحله تحقیقات مقدماتی و نزد مراجع قضایی برای مثال در هنگام بازجویی پلیس، در تمام جلسات دادگاه و تا پایان هرگونه رسیدگی کیفری از جمله در مرحله تجدیدنظر و حتی در جلسات استماع آنلاین و ترکیبی قابل اعمال است. اما میثاق اشاره صریحی به حق یادشده در مرحله تحقیقات مقدماتی و بازجویی نکرده است. عادلانه بودن محاکمه مستلزم آن است که حق داشتن مترجم از زمان شروع اتهام تا پایان هرگونه رسیدگی کیفری از جمله در مرحله بازجویی، حین محاکمه و تجدیدنظر قابل اجرا باشد. اما از آنجا که دادگاه‌های داخلی ایران در رسیدگی به یک محاکمه چندزبانه یا خدمات ترجمه‌ای که دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ارائه داده‌اند، تجربه لازم را ندارند. در نتیجه، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نسبت به محاکم داخلی ایران و حتی کمیته حقوق بشر حقی گسترده‌تر و بسیار دقیق از حق بر ترجمه ارائه کرده‌اند. واقعیت‌های متفاوت در هر حوزه قضایی، ارتباط رویه قضایی محاکم بین‌المللی را برای دادگاه‌های داخلی ایران زیر سؤال می‌برند؛ زیرا آرای دادگاه‌های کیفری بین‌المللی را می‌توان به عنوان توسعه آستانه آیین دادرسی کیفری بین‌المللی برای یک دادرسی منصفانه دانست و نه لزوماً آستانه‌های داخلی.

References

1. Akpambang, E.M (2007). Safeguards for Fair Trials under Nigerian Constitution and Criminal Procedure Legislations. Ibadan and Abuja: Constellation (Nig.) Publishers.
2. Al-Tarawneh, Alalddin (2024). The Impact of Legal Translation on Criminal Proceedings, Pakistan Journal of Criminology, 16(3), pp. 793-804. DOI:10.57239/PJLSS-2024-22.2.00915
3. Bahrami, Nafiseh (2012). Right of Fair Trial in pre-Trial Investigation in ECHR Practice. Journal of Legal Research, 11(21), pp. 115-132 (In Persian).
4. Benmaman, V (1992). Legal Interpreting: An Emerging Profession. Modern Language Journal, 76(4), pp. 445-454. DOI:10.1111/j.1540-4781.1992.tb05391.x
5. Birzu, Bogdan (2016). The Right to Interpretation and Translation within Criminal Proceedings in the European Union. Comparative examination, Juridical Tribune, 6(1), pp. 137-147.
6. Delmas-Marty, Mireille; Spencer, John (2002). European Criminal Procedures. Cambridge University Press.
7. Hajipour, Ali; Hashemi, Mohammad & Yavari, Asadollah (2018). Comparative Study of the Concept and Necessities of Public Criminal Trial in the Iranian Law and

- International Standards. Comparative Law Review, 9(1), pp.87-119. DOI:10.22059/jcl.2017.234812.633501 (*In Persain*).
8. Henry, John & Stone, Dingfelder (2018). Court Interpreters and Fair Trials. Germany: Palgrave Macmillan.
 9. Jackson, J & Summers, S (2020). Obstacles to Fairness in Criminal Proceedings: Individual Rights and Institutional Forms. Bloomsbury Publishing.
 10. Khaleghi, Ali (2019). Points in Criminal Procedure Code, Tehran, Shahre Danesh. (in Persain)
 11. Lagoutte, Stéphanie (2005). Fair Trial and Defence Rights in Criminal Matters: An Introduction. Comparative Law Research, 9(20), pp. 159-175.
 12. Levi J. N. et al. (1990). Language in the Judicial Process. New York: Springer.
 13. McEvoy, Gearóidín (2023). Language Proficiency and the Right to an Interpreter when Accessing a Fair Trial. The International Journal for Translation & Interpreting Research, 15(2), pp. 142-156. DOI:<https://doi.org/10.12807/ti.115202.2023.a09>
 14. Mole, Naula & Harby, Catharina (2006). The Right to a Fair Trial. Belgium: Council of Europe.
 15. Piri, Heidar (2023). The Effect of Linguistic Diversity and the Right on Translation in the Realization of Fair Trial in International Criminal Proceedings, Criminal Law Doctorines, 20 (25), pp. 93-126. DOI:10.30513/cld.2023.5332.1868 (in Persain)
 16. Robinson, P (2009). The Right to a Fair Trial in International Law, with Specific Reference to the Work of the ICTY. Berkeley Journal of International Law Publicist, 3, pp. 1-11.
 17. Saber, Mahmoud (2022). Rules of Procedure of the International Criminal Court. Tehran: Dadgostar Publication (*In Persain*).
 18. Stone, John (2012). Assessing the Existence of the Right to Translation under the International Covenant on Civil and Political Rights. Max Planck Yearbook of United Nations Law, 16, pp. 159-181. DOI:10.1163/18757413-90000018
 19. Vogiatzis, Nikos (2022). Interpreting the Right to Interpretation under Article 6(3)(e) ECHR: A Cautious Evolution in the Jurisprudence of the European Court of Human Rights? Human Rights Law Review, 22(1), pp. 1-25. <https://doi.org/10.1093/hrlr/ngab027>

Documents

20. Charter of the International Military Tribunal (London Agreement), 1945.
21. Charter of the International Military Tribunal for the Far East, 1946.
22. Communication No. 219/1986, D. Guesdon v. France, UN doc. GAOR, A/45/40 (Vol. II).
23. ECtHR, Cuscani v. UK, Application 32,771/96, 24 September 2002.
24. ECtHR, Amer v Turkey, Application 25,720/02, 13 January 2009.
25. ECtHR, Hacıoglu v. Romania, App. No. 2573/03 (Judgment of 11 January 2011).
26. ECtHR, Kamasinski v. Austria, Series A, No. 168, Application No. 9783/82, 19 December 1989.
27. ECtHR, Luedicke, Belkacem and koc v. Germany, 28 November 1978.
28. ECtHR, Lagerblom v. Sweden, 14 January 2003.
29. European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms,

- 1950.
30. HRC, General Comment No. 13 on Article 14 of the ICCPR (Administration of Justice), 1984.
31. HRC, General Comment No. 32 on 'Article 14: Right to Equality before the Court and Tribunals and the Right to a Fair Trial', CCPR/C/GC/32, 2007.
32. Hermi v. Italy, Application No. 18114/02 of 18 October 2006.
33. HRC, Harward v. Norway, Communication No. 451/1991, Doc. CCPR/C/51/451/1991 of 16 August 1994.
34. HRC, Hervé Barzhig v. France, 11 April 1991, Communication No. 327/1988.
35. ICC, Prosecutor v. Bagilishema, Case No. ICTR 95-1A, Judgement, 12 July 3, 2002.
36. ICC, Prosecutor v. Katanga, Case No. ICC-01/04-01/07(OA3), 2008.
37. ICC, Prosecutor v. Kony, Case No. ICC-02/04-01/05, 2007.
38. ICC, Prosecutor v. Rutaganda, Case No. ICTR 96-3-A, Judgement, 21 May 26, 2003.
39. ICC, Prosecutor v. Lubanga, Case No. ICC-01/04-01/06-268, Pre-Trial Chamber I, 2006.
40. ICTR, Prosecutor v. Mubimana, Case No. ICTR-95-1B, Trial Chamber, 6 November 2001.
41. ICTY, Prosecutor v. Delalic, Trial Chamber, Case No. IT-96-21-T, 1996.
42. ICTY, Prosecutor v. Kunarac, Case No. IT-96-23 & 23/1, Judgement, 2002.
43. ICTY, Prosecutor v. Kupreskid, Case No. IT-95-16-A, Appeals Judgement, 2001.
44. ICTY, Prosecutor v. Naletilic, Case No. IT-98-34-A, 2001.
45. ICTY, Prosecutor v. Prlic, IT-04-74-PT, 2006.
46. ICTY, Prosecutor v. Seselj, IT-03-67-PT, 2003.
47. International Covenant on Civil and Political Rights, 1966.
48. Law on the Establishment of the Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia, 2004.
49. Rules of Procedure and Evidence of the International Criminal Court, Sep. 10, 2002, ICCASP/1/3.
50. Statute of the International Criminal Tribunal for Rwanda, 1994.
51. Statute of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, 1993.
52. Statute of the Special Court for Sierra Leone, 2000.
53. Statute of the Special Tribunal for Lebanon, 2007.